

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال دوم، شماره چهارم (پیاپی ۸) زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۰۳۸-۱۰۱۲

مروری بر الگوها و رویکردهای نظری حاکم بر فضای برنامه ریزی توسعه در ایران

حمید خلجی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۰

امید علی احمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲

علی روشنائی^۳

چکیده

ایران یکی از باسابقه‌ترین کشورها در برنامه ریزی توسعه است. برنامه های مدون در قبل از انقلاب از سال ۱۳۲۷ آغاز شد و تا سال ۱۳۵۶ ادامه داشت. اما کشور در این دوره ها نه تنها به هدفهای مورد نظر توسعه ای دست نیافته، بلکه همچنان در آغاز راهی پر فراز و نشیب است. در مقوله عدم موفقیت برنامه های توسعه ایران، اندیشمندان و نظریه پردازان توسعه داخلی و خارجی سخنها گفته اند که هر کدام از منظر علمی خویش قابل تامل و بررسی است. از عمده ترین دلایل عدم رسیدن به اهداف برنامه های توسعه، نداشتن پشتوانه نظری و پارادایم توسعه است. در این پژوهش تلاش شده است با نگاهی تاریخی و تحلیلی، مدلی از برنامه ریز در کشور ارائه شود که در آن، نقش ساختارها، افراد، حوادث تاریخی، نوسانهای عمده اقتصادی، گرایشهای سیاسی و اصلی ترین عوامل اثر گذار در سیاستگذاری برنامه ها مورد توجه قرار گیرد.

کلمات کلیدی: برنامه های توسعه، فضای برنامه ریزی، الگوها و رویکردها

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی رشته جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران.

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران. (استاد راهنما و نویسنده مسئول)

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران. (استاد مشاور)

الگوی نوسازی در ایران با حکومت رضاشاه یعنی با دوره پهلوی پایه گذاری شد. (ناعم و یعقوب زاده، ۱۳۹۶) و روند توسعه از آن زمان شروع شد و تا امروز در قالبها و برنامه های مختلف به اجرا درآمده است. ایران یکی از باسابقه ترین کشورها در برنامه ریزی توسعه است. برنامه های مدون در قبل از انقلاب از سال ۱۳۲۷ آغاز شد و تا سال ۱۳۵۶ ادامه داشت. اما نه تنها به هدفهای مورد نظر توسعه ای دست نیافته بلکه همچنان در آغاز راهی پر فراز و نشیب است.

فرایند برنامه ریزی در ایران همواره با نقدهای جدی روبه رو بوده است. مهم ترین این نقدها را می توان مواردی چون «جایگاه نامشخص برنامه در ساختار سیاسی- اداری کشور»، «ضعف های برنامه در مرحله طراحی» و «ضعف های آن در مرحله اجرا» دانست (رجب پور، ۱۳۸۹).

در مقوله عدم موفقیت برنامه های توسعه، اندیشمندان و نظریه پردازان توسعه داخلی و خارجی سخنها گفته اند که هر کدام از منظر علمی خویش قابل تامل و بررسی است. از عمده ترین دلایل عدم رسیدن به اهداف برنامه های توسعه به ویژه در قبل از انقلاب، نداشتن پشتوانه نظری و پارادایم توسعه است. اما شاید با وقوع انقلاب، انتظار می رفت تغییر و تحول کلی سیاسی و اجتماعی کشور، منجر به تحول در روند برنامه ریزی و اجرای آن در کشور رخ دهد. با وجود این، همچنان اندیشمندان توسعه، در فرایند برنامه ریزی بحث و گفتگو دارند و سیاستگذاران، برنامه ریزان و اندیشمندان توسعه، هنوز به نقطه مشترکی دست نیافته اند. از این رهگذر تمرکز این پژوهش بیشتر بر فضای برنامه ریزی در بعد از انقلاب خواهد بود.

در سال های اولیه ی پیروزی انقلاب اسلامی، هیچ گونه زمینه ای برای تنظیم برنامه ی اقتصادی وجود نداشت. بحران های سیاسی و پیامدهای جنگ تحمیلی منجر به تداوم الگوهای پوپولیستی در حوزه های اقتصاد سیاسی گردید. این امر بیانگر شرایط مبهم و جهت گیری پراکنده در سیاست اقتصادی است.

بعد از گذشت یک دهه از انقلاب، استراتژی دولت هاشمی، آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی را جایگزین الگوی اقتصادی نامنظم و مختلط دهه ی قبل کرد. این استراتژی همچنین مشارکت گروه های خارجی به گونه ی دوجانبه یا چند جانبه را در بخش خصوصی و دولتی به عنوان الگوی مناسبی برای بهبود مدل اقتصاد ایران در نظر گرفت. این امر در اولین برنامه ی پنج ساله ی توسعه و در یازدهم بهمن ۱۳۶۸ توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. شورای نگهبان نیز برنامه ی اول توسعه ی اقتصادی را در اواخر سال ۱۳۶۸ مورد تأیید قرار داد. تصویب برنامه ی توسعه ی اقتصادی توسط نهادهای حکومتی، زمینه را برای فعال سازی بخش خصوصی فراهم آورد. از این مقطع زمانی به بعد، بورژوازی کمپرادور در ایران از جایگاه و مطلوبیت بیشتری برخوردار شد. سیاست تعدیل اقتصادی، مسیر انقلاب را به سوی جهت گیری های اقتصاد بازار سوق داد (مصلی نژاد، ۱۳۹۵).

از سری برنامه های توسعه در ایران، برنامه های توسعه ششگانه بوده است که از سال ۱۳۶۸ آغاز شده و تاکنون هم ادامه دارد.

تجزیه و تحلیل برنامه های ششگانه از ابعاد مختلف، برای روشن شدن میزان اجرا هم از نظر کمی و هم کیفی، یکی از منطقی ترین اقدامات است که در دوره های مختلف باید انجام شده باشد یا بشود.

از آن جایی که هدف برنامه های فوق، رساندن اقشار جامعه به رفاه اجتماعی و عدالت اجتماعی بوده است و از طرفی طبق اطلاعات موجود، سطح رفاه و عدالت اجتماعی در جامعه به سطح قابل قبول نرسیده است، برای مثال ایران طبق شاخص لگاتوم در سال ۲۰۱۹ در بین ۱۶۷ کشور رتبه ۱۰۹ را به دست آورده است که رتبه قابل قبولی نیست. لذا از همین منظر سیاستهای کلان اقتصادی کشور را که در قالب برنامه های توسعه به اجرا درآمده است، بررسی خواهیم نمود. در این پژوهش در پی آن هستیم که فضاها، پارادایم های حاکم و عوامل موثر دیگر بر شکل گیری برنامه ها را تحلیل و استخراج کنیم. گفتمانهای غالب و فضای اجتماعی در روند طرح و شکل گیری هر برنامه با برنامه های دیگر متفاوت بوده و نوسانهای زیادی داشته است. از این رو بررسی زمینه های شکل گیری برنامه ها، نقش مهمی در تعیین اولویتهای مهم مورد نظر هر برنامه داشته است.

ضرورت پژوهش

پس از انقلاب اسلامی، در دهه اول، سیاستهای توزیعی در اقتصاد کشور به کار گرفته شد. اما در دهه دوم و در قالب برنامه های توسعه، نگرشهای اقتصادی کشور تغییر کرد و سیستم اقتصادی ایران به سمت و سویی دیگر رفت.

در برنامه های توسعه عمدتاً اهداف آشکار و پنهان، رسیدن به نقطه ای از پیشرفت برای رفاه اجتماعی و مهم تر از آن عدالت اجتماعی است. اما همان طور که ارزیابی های جاری نشان می دهد، فاصله زیادی با نقطه های مورد انتظار داریم.

ارزیابی های انجام شده توسط موسسات و سازمانهای معتبر جهانی، نشان دهنده اختلاف فاحش کشور در حوزه رفاه و عدالت اجتماعی با کشورهای صدر جدول است.^۱

بسیاری از اهداف مورد نظر در برنامه ها محقق نشده و قسمت هایی از برنامه ها اساساً به اجرا درنیامده است. هم اکنون که در حال اجرای برنامه ششم توسعه هستیم، اما به نظر می رسد تفاوت چندانی در روند تدوین و اجرای برنامه ششم با برنامه های پیشین نباشد. از این رو آسیب شناسی و شناسایی نقاط ضعف و

^۱ <https://www.prosperity.com/globe/iran>

قوت برنامه های توسعه به ویژه در حوزه رفاه و عدالت اجتماعی که به نظر می رسد باید عمده ترین محصول این برنامه های باشد، ضروری است.

از طرفی باید این پرسش طرح شود که آیا اساساً نوع نگاه به اقتصاد ایران از سوی دولتها و سیاستگذاران، با واقعیتهای کشور همساز است یا الگوهای اخذ شده از اقتصاد های سایر کشورها، صرفاً در سطحی نظری و بدون لحاظ شرایط بومی طرح ریزی می شود. بنابراین نیاز به یک مطالعه جامع و کل نگر به برنامه ها که با لحاظ شرایط کلی کشور در متون برنامه ها انجام پذیرد به شدت حس می شود؛ با این هدف که نتایج این دست پژوهش ها قدمی هر چند کوچک در تقویت حوزه نظری توسعه کشور بردارد.

اهمیت پژوهش

با نگاهی به کشورهای مختلف جهان و با توجه به شاخص های جهانی توسعه، می بینیم که جایگاه کشور قابل قبول نیست. با اجرای پنج برنامه توسعه و نیمی از برنامه ششم عملاً اهداف مورد نظر خود برنامه ها نیز محقق نشده است.

قرار گرفتن در جرگه کشورهای در حال توسعه خود می تواند به معنی حرکت واقعی در مسیر توسعه باشد. در حالی که شاخصهای موجود نشان دهنده توسعه و یا دست کم، توسعه متوازن نیست. از این رو برنامه ریزان و تصمیم گیران حوزه های برنامه ریزی کشور باید با استفاده از بخش های علمی و با تکیه بر مبانی نظری قوی و مورد تایید و وثوق محافل علمی معتبر، نسبت به آسیب شناسی و شناسایی نقاط ضعف و قوت برنامه های شش گانه اقدام کنند.

این پژوهش می تواند هر چند قدمی کوچک در راه شناسایی، تحلیل و ارزیابی برنامه های توسعه کشور باشد.

برای برنامه های آینده، منطقی و عقلانی خواهد بود که نقاط منفی برنامه های پیشین اصلاح و نقاط مثبت آن تقویت شوند. شناسایی این نقاط از طریق چنین پژوهشهایی انجام پذیر است.

همچنین در تهیه اسناد بالادستی دیگر مانند سند ملی آمایش سرزمین، سیاست های کلی نظام در مورد اصل ۴۴ قانون اساسی، منشور حقوق شهروندی، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، برنامه های حمایتی دستگاههای حمایتی و مانند اینها می توان از نتایج این پژوهش استفاده کرد.

در عرصه های علمی و دانشگاهی نیز تحلیل برنامه های توسعه به لحاظ تئوریک به فهم توسعه کمک خواهد کرد و پژوهشهایی از این دست، به غنای ادبیات موجود توسعه، خواهد افزود.

پیشینه پژوهش

تحقیقات انجام شده بررسی شده که جمع بندی آنها در قالب جدول ذیل ارایه گردیده است.

جدول متن خوانی پیشینه پژوهش‌ها

پژوهشگر	موضوع	نتایج
سالارزاده	بررسی تطبیقی برنامه های رفاه اجتماعی در برنامه های توسعه (۸۳- ۱۳۶۸) با اصول مرتبط در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	در این تحقیق با دیدی انتقادی مواد قانونی و برنامه های رفاهی مطرح شده در قانون اساسی و سه برنامه توسعه کشور (۸۳-۱۳۶۸) مورد بررسی قرار گرفته اند و نتایج آن با توجه به رویکردهای رفاه اجتماعی تجزیه و تحلیل شده‌اند تا میزان انطباق برنامه های توسعه با اصول مرتبط در قانون اساسی مشخص شود.
زاهدی و نوائی لواسانی	ارزیابی برنامه های توسعه ی جمهوری اسلامی ایران از منظر بازنمایی و کاربست نظریه های رفاه و عدالت اجتماعی (با تأکید بر برنامه ی پنجم توسعه)	در این پژوهش، ضمن مرور برنامه های توسعه جمهوری اسلامی ایران، به دلیل اینکه برنامه پنجم توسعه، عصاره همه برنامه های پیشین از حیث تامین عدالت و بهبود کیفیت زندگی است، با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا، از باب کاربست مفاهیم عدالت و رفاه اجتماعی تحلیل و ارزیابی می شود..
مصطفوی	مروری بر برنامه های توسعه کشور با تأکید بر	در مقاله حاضر، ۵ برنامه توسعه کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که اجرای آنها تصویب شده، به

<p>صورت بسیار کوتاه مرور و با قانون برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی با معیار ارزش‌های محوری و روح حاکم بر آموزه‌های اقتصادی اسلام به صورت تحلیل محتوا مقایسه می‌گردد.</p>		<p>برنامه ششم و مقایسه آنها با معیار برخی شاخصهای مرتبط با اقتصاد اسلامی</p>	
<p>از آن جایی که سیاست گذاری اجتماعی مناسب می‌تواند در زمینه روند رو به رشد آسیب های اجتماعی اثربخش باشد، هدف این پژوهش بررسی سیاست های اجتماعی کشور در شش برنامه توسعه بعد از انقلاب اسلامی است.</p>	۱۳۹۵	<p>سیاست گذاری اجتماعی در حوزه آسیب های اجتماعی در قوانین برنامه توسعه کشور</p>	<p>حسینی حاجی بکنده و موسوی چلک</p>
<p>این مطالعه، به بررسی عدالت جنسیتی در دولت های بعد از انقلاب پرداخته است که علی رغم اینکه هریک دارای گفتمانی مربوط به خود بوده اند، اما همچنان ذیل گفتمان جامع انقلاب اسلامی فعالیت نموده اند. از این طریق سعی شده است تا به بازشناسی دگرگونی رویکردهای مختلف گفتمانی در خصوص مقوله های «زن» و «عدالت جنسیتی» پرداخته شود.</p>	۱۳۹۵	<p>تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در لوایح و برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران</p>	<p>صفری شالی</p>

<p>روند توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی، با همه ویژگی های خود، بخشی از تلاش برای آبادانی و عمران در تاریخ ایران معاصر به شمار می آید. بی تردید برنامه های توسعه در این دوره، بیش از هر چیز متأثر از تحولات، نیازها و الزامات داخلی بوده است. ضمن این که فشارهای خارجی ناشی از تحولات بین المللی از جمله جهانی شدن را نمی توان نادیده گرفت</p>	۱۳۸۸	<p>برنامه های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی</p>	شیرزادی
<p>در این تحقیق عدالت اجتماعی، توجه نسبتاً برابر به تمام حوزه های زندگی اجتماعی و ارزشهای محوری آنها همراه با برابری در انواع آزادیها و فرصتها و نابرابری مشروط در تولید و توزیع ارزشهای محوری است.</p> <p>نتایج تحلیل محتوای کمی و کیفی سه برنامه توسعه (دوم، سوم، چهارم) نشان می دهد در توجه به حوزه های چهارگانه زندگی اجتماعی تعادلی وجود ندارد. تأثیرات بی توجهی به حوزه زندگی سیاسی و کم توجهی به حوزه زندگی</p>	۱۳۹۱	<p>مطالعه عدالت اجتماعی در برنامه های توسعه از نگاهی نو</p>	رضائی

<p>جامعوی در برنامه ها در وضعیت جاری جامعه نمایان است</p>			
<p>بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پنج برنامه توسعه به اجرا درآمده است که این تحقیق به بررسی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی موردتوجه قرار گرفته در این برنامه‌ها و سیر تحول و مقایسه آنها می‌پردازد</p>	۱۳۹۵	<p>ابعاد و مولفه های توسعه اجتماعی در برنامه های پنجگانه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران</p>	<p>موسوی، زاهدی و جغتایی</p>
<p>موضوع مقاله، با بررسی مسائلی مانند صورت بندی پویایی های برنامه ها و چگونگی روند این پویایی ها در قالب پنج برنامه بعد از انقلاب اسلامی دنبال شده است. تجربه نشان می دهد که معمولا ناقدان برنامه های توسعه درمورد نبود شناخت لازم از پویایی شناسی برنامه ها نام می برند، اما کمتر به این موضوع که چرا چنین امری واقعیت پیدا نکرده، وارد شده اند.</p>	۱۳۹۴	<p>پویایی شناسی برنامه های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی</p>	<p>غفاری</p>

<p>این تحقیق از نوع کاربردی و برای کمک به برنامه ریزی و تدوین سند مرتبط، مناسب و قابل اجرا در حوزه آسیب های اجتماعی، انجام پذیرفته، اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه ای جمع آوری شده است.</p>	۱۳۹۵	<p>تحلیل سیاستهای کلی برنامه ششم توسعه از منظر اجتماعی</p>	<p>محمد لو و جعفرزاده دشابلاغ</p>
<p>در این نوشته کوشش شده گذشته از آسیب شناسی برنامه های توسعه در حوزه سیاستگذاری، توازن و همناختی منطقه ای، نقاط قوت و ضعف، فرصتها و تهدیدها و نابرابریهای منطقه ای شناسایی شود و با بهره گیری از شاخصهای کلان اقتصادی و نابرابری (شاخص ویلیامسون)، نابرابریهای مناطق بررسی شود.</p>	۱۳۹۱	<p>آسیب شناسی سیاستگذاری در زدودن نابرابریهای منطقه ای در برنامه های توسعه ایران</p>	<p>صادقی شاهدانی و غفاری فرد</p>
<p>این پژوهش به دنبال شناسایی توسعه اجتماعی و بنیان های نظری آن در قوانین برنامه توسعه کشور و نحوه بازتاب و پرداخت دادن آن قیاسی است و برای توصیف و مقایسه بعد اجتماعی برنامه های توسعه طراحی شده است.</p>	۱۳۹۴	<p>بازتاب توسعه اجتماعی در برنامه های توسعه جمهوری اسلامی ایران (برنامه های اول تا پنجم)</p>	<p>عالی زاد</p>

<p>در این تحقیق به بررسی توسعه‌ی اجتماعی با تأکید بر دو بعد رفاهی و انسان‌گرایانه توسعه، در قوانین برنامه‌ی توسعه‌ی اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۹۴ پرداخته شده تا مشخص شود که برنامه‌های توسعه چه رویکردی به توسعه‌ی اجتماعی دارند و چه نقاط قوت و ضعفی وجود دارد؟ در همین راستا از دو شاخص رفاهی و انسان‌گرایانه برای ارزیابی توسعه‌ی اجتماعی استفاده گردیده است. روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی محتوای کمی می‌باشد.</p>	۱۳۹۶	<p>بازتاب توسعه اجتماعی در قوانین برنامه‌های پنجگانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران</p>	<p>قوتی سفیدسنگی، فراشپانی و حسن زاده چوکانلو</p>
<p>رنامه ریزی در ایران در حال حاضر با سه دسته نقد «جایگاه مبهم برنامه ریزی در ساختار سیاسی-اداری کشور»، «ضعف‌های فرایند برنامه ریزی» و «ضعف‌های فرایند اجرای برنامه» روبه‌رو است که بدون تلاش برای رفع آن‌ها اقتصاد ایران توانی برای بهبود وضعیت نخواهد یافت.</p>	۱۳۹۸	<p>آسیب‌شناسی نظام برنامه ریزی کشور؛ ضرورت توجه به برنامه ریزی در کشور و نقدهای وارد بر فرآیند برنامه ریزی در کشور</p>	<p>رجب پور</p>

<p>هدف از این مطالعه بررسی نقش عدالت و روند آن در تدوین و اجرای برنامه های توسعه در بخش بهداشت و درمان کشور است. این مطالعه به صورت مروری و با بهره گیری از پایگاه های اطلاعاتی در سال ۱۳۹۳ انجام شد.</p>	۱۳۹۳	<p>جایگاه عدالت در نظام سلامت: مروری اجمالی بر برنامه های توسعه</p>	<p>براتی، کشتکاران، احمدی، حاتم، خمر نیا و سیاوشی</p>
<p>این پژوهش در صدد آن است تا به ارزیابی پارادایمی (نظری) برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران در دهه های اخیر پرداخته و سیاست های کلان در این عرصه را مورد بحث و بررسی قرار دهد.</p>	۱۳۹۲	<p>ارزیابی پارادایمی برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران</p>	<p>ایمان، محمد تقی</p>
<p>این مطالعه به بررسی وضعیت و اهمیت بخش بهداشت در اولین تا ششم برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایران پرداخته و یک مطالعه مروری با استفاده از روش تحلیل اسنادی بوده است.</p>	۲۰۱۹	<p>جایگاه سلامت در برنامه های اول تا ششم توسعه ایران: مرور مستندات</p>	<p>خدایاری زرنق، کبیری و علیزاده</p>

روش پژوهش:

برای پژوهش حاضر از روش تاریخی استفاده شده است. پژوهش تاریخی بر جمع آوری داده های مربوط به گذشته از منابع معتبر و تحلیل آنها تاکید دارد. پژوهش تاریخی با نگاه تحلیلی به تاریخ «یک پدیده

مربوط به زمان گذشته» را تبیین و اسرار زیادی را آشکار می‌کند. در این روش تلاش پژوهشگر، جمع آوری اطلاعات برای شناسایی یا ارزیابی حقایق گذشته خواهد بود.

بر این اساس ضمن گردآوری متون موجود در حوزه برنامه ریزی، هم از نظر سیر تاریخی و و هم تحولات گفتمانی راست و چپ و انعکاس آن‌ها در برنامه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

تعریف توسعه

اصطلاح توسعه به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد. واژه توسعه در لغت به معنای خروج از لفاف است (ازکیا، ۱۳۹۳).

توسعه بر خلاف رشد که یک پدیده‌ی صرفاً اقتصادی-تکنولوژیکی و دارای مفهوم کمی است، امری پیچیده و چند بعدی است. (نراقی، ۱۳۹۴) توسعه دارای ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که با یکدیگر در هم تنیده‌اند. بنابراین آنها را باید با هم دید و مورد تحلیل قرار داد (ناعم و یعقوب زاده، ۱۳۹۶). میکال تودارو «معتقد است که توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است». توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع، اساسی و خواسته‌های افراد و گروههای اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد. (روشنایی، ۱۳۸۷).

صاحب نظران توسعه در سیر تاریخی تکامل نظریات این حوزه، مکاتب مختلفی را تعریف و تبیین کرده‌اند؛ مکتب نوسازی، مکتب وابستگی و مکتب نظام جهانی.

نوسازی را می‌توان محصول سه جریان مهم بعد از جنگ جهانی دوم دانست: الف) ظهور آمریکا به عنوان یک ابر قدرت و تلاش در جهت جذب کشورهای بیشتر به سوی خود از طریق اجرای طرحهایی نظیر طرح مارشال. با گسترش جنبش جهانی کمونیزم و بسط نفوذ اتحاد جماهیر شوروی. ج) تجزیه امپراطوریهای استعماری و به وجود آمدن کشورهای تازه استقلال یافته که بطور طبیعی دنبال یافتن الگوهای توسعه بودند (آلوی. ی سو: ۱۳۷۸). در نظریات نوسازی نقطه مشترک تاکید بر عوامل درونی به عنوان عامل و مانع اصلی است. آنان با تاکید بر منابع داخلی تغییر در کشورهای جهان سوم عقب ماندگی آنها را به عنوان امری ذاتی قلمداد می‌کنند. و از مسیر همین رویکردهاست که مسائلی مثل حق توحش و کاپیتولاسیون توجیه پیدا می‌کنند. دیگر اینکه بر اساس دیدگاه نوسازی تنها راه رهایی تقلید از غرب و گرفتن الگو از آنان است. البته نتیجه طبیعی این رویکرد وابستگی شدیدی است که کشورهای جهان سوم به غرب پیدا می‌کنند (روشنائی، ۱۳۸۷).

نظریات نوسازی بعد از یک دهه رونق از سوی پارادایم جدید، یعنی وابستگی به شدت مورد حمله و نقد واقع شد. اگر نظریات نوسازی را می توان مجموعه نظریاتی دانست که توسعه را از دیدگاه ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی مورد بررسی قرار می دهند، در باره مکتب وابستگی نیز می توان گفت که از دیدگاه جهان سوم به توسعه می نگرد. " به تعبیر بلوم استروم و هته (۱۹۸۴) مکتب وابستگی نمایانگر طنین آواهای است که از پیرامون به گوش می رسد و با سلطه فکری مکتب آمریکایی نوسازی به معارضه بر می خیزد " (آلوین. ی. سو: ۱۳۷۸). در این دیدگاه دلایل اصلی عقب ماندگی و توسعه نیافتگی جهان سوم به ساختار نظام سرمایه داری ارتباط داده شده است بدین معنی که توسعه نظام سرمایه داری موجب توسعه بانکی کشورهای می شود که در مرحله پیش سرمایه داری قرار دارند. تحول سرمایه دارانه تحولی موزون نیست که از طریق اشاعه، دیگر کشورها را نیز وارد مدار توسعه کند، بلکه کاملاً بر عکس، توسعه نیافتگی برخی کشورها لاجرم به توسعه نیافتگی برخی دیگر از کشورها منجر می شود (آزاد ارملکی: ۱۳۷۹) اگر چه مکتب وابستگی موفق به انهدام و محو مکتب نوسازی نگشت، اما مکتب نوسازی نیز متقابلاً قادر نبود دیدگاههای رقیب خود را به عنوان نظریاتی نامشروع از صحنه خارج نماید. همزیستی تعارض آمیز این دو دیدگاه در حوزه مطالعات توسعه، دهه ۱۹۷۰ را از نظر فکری به سالهایی پر بار تبدیل نمود. تا اواسط دهه ۱۹۷۰ نبرد ایدئولوژیک میان مکاتب نوسازی و وابستگی فروکش کرده و هیجان مباحثه بر سر توسعه جهان سوم نیز تا حدودی نشست و جنبه های ایدئولوژیک آن کاسته شد. در این میان گروهی از محققین بنیاد گرا تحت سرپرستی ایمانول والرشتاین دریافته بودند که در چارچوب دیدگاه وابستگی نمی توان به تبیین بسیار جدید در اقتصاد سرمایه داری دست زد (آلوین. ی. سو: ۱۳۷۸). اینگونه بود که در مکتب موسوم به نظام جهانی چهره نمود. این مکتب انتقاد شدیدی به نظام سرمایه داری و روشهای علمی مرسوم نمود. در واقع دهه ۱۹۷۰ دهه سلسله نظریه نظام جهانی بر علوم مثل جامعه شناسی بود. به گونه ای که در آن موقع بخش جدیدی تحت عنوان اقتصاد سیاسی نظام جهانی در انجمن جامعه شناسی آمریکا دایر گردید (روشنائی، ۱۳۸۷).

مکاتب فوق مربوط به دهه های ۵۰ تا ۸۰ بود اما پس از آن با پیدایش عصر اطلاعات و اقتصاد اطلاعاتی دیگر هیچکدام از مکاتب فوق به تنهایی مطرح نبود و بازگشت به برخی فاکتورهای سنتی در پست مدرنیته دیده می شود.

اما در عصر حاضر چیزی که بیش از هر چیز اهمیت دارد، پایداری توسعه است. توسعه پایدار با فاکتور اصلی حفظ منابع محدود جهان و بهره مندی نسل حاضر و حفظ منابع برای نسلهای آینده مطرح شده و قالب تعاریف حول مشخصه توسعه پایدار شکل می گیرد.

سازمان جهانی کار، گزارشی از اهداف توسعه پایدار منتشر کرد که در آن، اهدافی هفده گانه لحاظ شده و ادعا شده با پایبندی به آن، جهان جای بهتری برای زندگی خواهد شد:

۱: پایان دادن به فقر در تمامی اشکال آن و در همه جا

- ۲: پایان دادن به گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و بهبود تغذیه و ترویج کشاورزی پایدار
- ۳: اطمینان از زندگی سالم و ترویج رفاه برای همه در تمام سنین
- ۴: اطمینان از آموزش فراگیر و باکیفیت برای همه و ترویج یادگیری مادام‌العمر
- ۵: دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران
- ۶: اطمینان از دسترسی به آب و بهداشت برای همه
- ۷: اطمینان از دسترسی به انرژی ارزان قیمت، قابل اعتماد، پایدار و مدرن برای همه
- ۸: بهبود رشد فراگیر و پایدار اقتصادی، اشتغال و کار مناسب برای همه
- ۹: ساخت زیرساخت‌های انعطاف‌پذیر، ترویج صنعتی پایدار و تقویت نوآوری
- ۱۰: کاهش نابرابری داخل و در میان کشورها
- ۱۱: تضمین شهرهای امن، انعطاف‌پذیر و پایدار
- ۱۲: اطمینان از مصرف و تولید الگوهای سازگار با محیط زیست
- ۱۳: گرفتن تصمیماتی برای اقدامات فوری برای مبارزه با تغییرات آب و هوا و اثرات آن
- ۱۴: حفظ و استفاده پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی
- ۱۵: مدیریت پایدار جنگل‌ها، مبارزه با بیابان‌زایی، متوقف و معکوس تخریب زمین، توقف از دست دادن تنوع زیستی
- ۱۶: ارتقای تنها با جوامع صلح‌آمیز و فراگیر
- ۱۷: احیای مشارکت جهانی برای توسعه پایدار (<https://www.ilo.org>، ۲۰۱۷).
- در مقیاس بومی و ایرانی نیز چالش‌های توسعه، حداقل به دوره مشروطه باز می‌گردد (ناعم و یعقوب زاده، ۱۳۹۶).

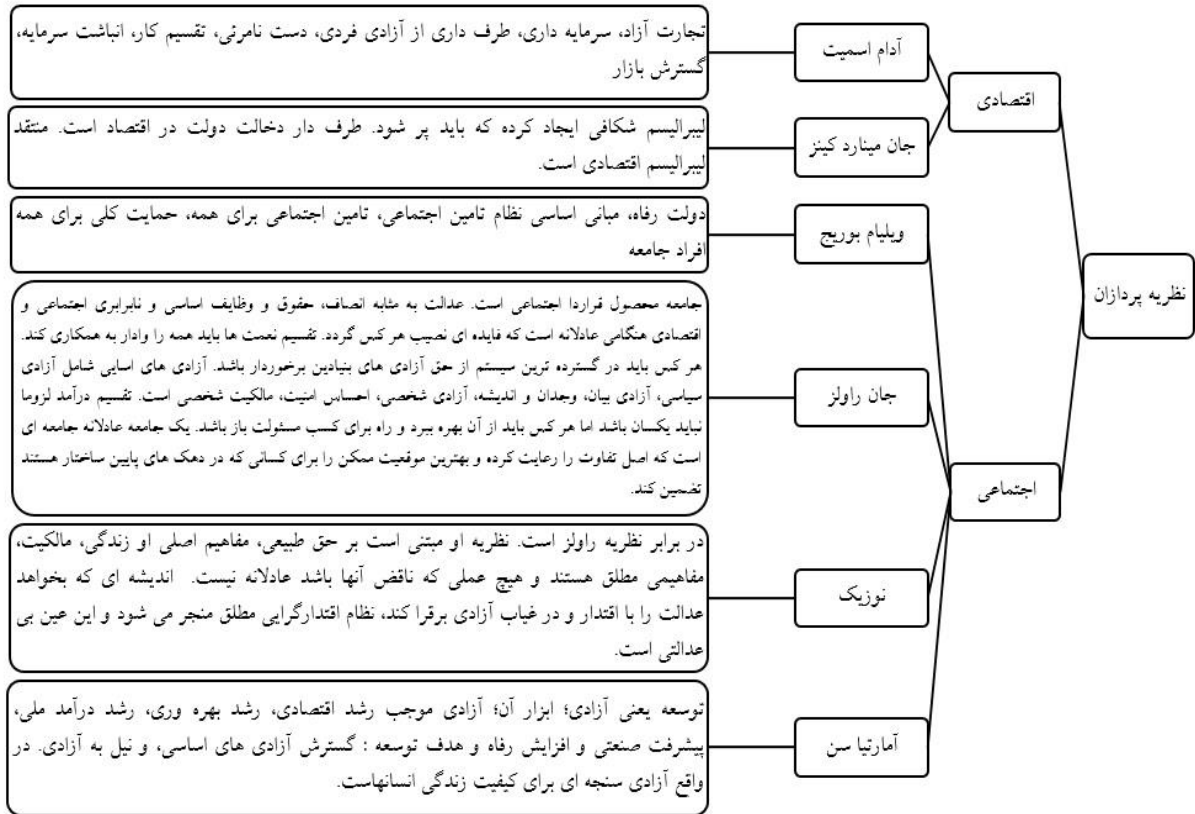
مبانی نظری:

در این بخش پژوهش مبانی نظری را در چند بخش مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ از آنجایی که هدف برنامه‌های توسعه رسیدن به اهدافی تعریف شده از توسعه یافتگی و تحقق عدالت اجتماعی و رفاه اجتماعی در کشور بوده اند لذا ابتدا مکاتب و نظریه‌های موجود در حوزه رفاه اجتماعی و سپس نظریه‌های حوزه عدالت اجتماعی به بحث گذاشته می‌شود.

چارچوب نظری:

نظریه های موجود را می توان در سه طیف اصلی اقتصاد بازار، کینزین ها و نظریات نزدیک به دولت رفاه دسته بندی کرد. چارچوب نظری پژوهش حاضر تلفیقی از طیفهای فوق است. با استفاده از این سه طیف نظری زمینه های شکل گیری گفتمانهای مختلف توسعه را بهتر می توان درک نمود.

نمایه کلی چارچوب نظریه های تحقیق:



جدول نظریه های تحقیق

نظریه پرداز	ایده اصلی	تعمیم به موضوع
آدام اسمیت	تجارت آزاد، سرمایه داری، طرفداری از آزادی فردی، دست نامرئی، تقسیم کار، انباشت سرمایه، گسترش بازار	عدالت نوعی هم احساسی است و دست نامرئی بازار، عدالت اجتماعی را ایجاد می کند. تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی در تمام برنامه ها از اهداف اصلی بوده است.
جان	لیبرالیسم شکافی ایجاد کرده که	حکومت باید به اقتصاد پول

<p>توزیع کند و این پول به جای مالیات از راه هزینه های عمومی باید تأمین شود.</p> <p>کینز استدلال می کرد که دولت، باید شرایط لازم را برای رشد پایدار اقتصادی فراهم کند.</p> <p>یکی از اهداف برنامه ها ایجاد رشد اقتصادی بیان شده است.</p>	<p>باید پر شود. طرفدار دخالت دولت در اقتصاد و منتقد لیبرالیسم اقتصادی است.</p>	<p>مینارد کینز</p>
<p>تأمین بیمه فراگیر و کارآمد و گسترش کمی و کیفی نظام تأمین اجتماعی و خدمات بیمه درمانی در سیاستهای کلی بیشتر برنامه دیده می شود.</p>	<p>دولت رفاه، مبانی اساسی نظام تأمین اجتماعی، تأمین اجتماعی برای همه، حمایت کلی برای همه افراد جامعه</p>	<p>ویلیام بورج</p>
<p>کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات، رفع محرومیت از قشرهای کم درآمد در سیاستهای کلی و اهداف برنامه های سوم به بعد آورده شده است.</p>	<p>جامعه محصول قرارداد اجتماعی است. عدالت به مثابه انصاف، حقوق و وظایف اساسی و نابرابری اجتماعی و اقتصادی هنگامی عادلانه است که فایده ای نصیب هر کس گردد. تقسیم نعمت ها باید همه را وادار به همکاری کند. هر کس باید در گسترده ترین سیستم از حق آزادی های بنیادین برخوردار باشد. آزادی های اساسی شامل آزادی سیاسی، آزادی بیان، وجدان و اندیشه، آزادی شخصی، احساس امنیت، مالکیت شخصی است. تقسیم درآمد لزوما نباید یکسان باشد اما هر کس باید از آن بهره برد و راه برای کسب مسئولیت باز باشد. یک جامعه عادلانه جامعه ای</p>	<p>جان راولز</p>

	<p>است که اصل تفاوت را رعایت کرده و بهترین موقعیت ممکن را برای کسانی که در دهک های پایین ساختار هستند تضمین کند.</p>	
<p>تثبیت فضای اطمینان بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران با اتکا به مزیت‌های نسبی و رقابتی و خلق مزیت‌های جدید و حمایت از مالکیت و کلیه حقوق ناشی از آن و حمایت قضائی مؤثر در تضمین حقوق مالکیت و استحکام قراردادها به منظور توسعه‌ی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی در برنامه های سوم و ششم به چشم می خورد.</p>	<p>در برابر نظریه راولز است. نظریه او مبتنی است بر حق طبیعی، مفاهیم اصلی او زندگی، مالکیت، مفاهیمی مطلق هستند و هیچ عملی که ناقض آنها باشد عادلانه نیست. اندیشه ای که بخواهد عدالت را با اقتدار و در غیاب آزادی برقرار کند، نظام اقتدارگرایی مطلق منجر می شود و این عین بی عدالتی است.</p>	<p>نوزیک</p>
<p>از جمله اهداف و سیاستهای برنامه پنجم، تلاش در جهت تبیین و استحکام مبانی مردم سالاری دینی و نهادینه کردن آزادی‌های مشروع از طریق آموزش، آگاهی‌بخشی و قانونمند کردن آن و صیانت از حقوق اساسی ملت ذکر شده است.</p>	<p>توسعه یعنی آزادی؛ آزادی موجب رشد اقتصادی، رشد بهره وری، رشد درآمد ملی، پیشرفت صنعتی و افزایش رفاه می شود. هدف توسعه: گسترش آزادی های اساسی، و نیل به آزادی. در واقع آزادی سنجه ای برای کیفیت زندگی انسانهاست.</p>	<p>آمارتیا سن</p>

از آنجایی که مورد مطالعه این پژوهش، برنامه های ششگانه توسعه است، لذا زمینه های نظری و فضای گفتمانی شکل گیری برنامه های توسعه را باید واکاوی کرد.

به نظر می رسد شکل گیری و تدوین برنامه های توسعه در هر دوره ای قرار گرفته باشد، به همان میزان از گفتمانهای قالب آن دوره تاثیر پذیرفته است. از این رو تحولات گفتمانی راست و چپ و درک از عدالت و رفاه و انعکاس آن ها در برنامه ها باید با مذاقه کامل واکاوی شود.

زمان بندی برنامه های توسعه به شرح ذیل است:

برنامه اول توسعه ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲

برنامه دوم توسعه ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸

برنامه سوم توسعه ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳

برنامه چهارم توسعه ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸

برنامه پنجم توسعه ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴

برنامه ششم توسعه بعد از سال ۱۳۹۶

پژوهشی با عنوان "تحولات گفتمانی و برنامه ریزی توسعه در ایران ۱۳۵۷-۱۳۹۲" (غفاری و جعفری، ۱۳۹۸) دوران بعد از انقلاب را از نظر تاریخی به چند بخش تقسیم کرده که با اندکی دخل و تصرف اضافات آورده می شود:

دوره گذار از سال ۵۷ تا ۶۰:

از ابتدای پیروزی انقلاب و سقوط رژیم شاهنشاهی آغاز می گردد و تا پایان نخست وزیری موقت آیت الله مهدوی کنی و برگزاری انتخابات دوره سوم ریاست جمهوری ادامه می یابد. این دوران مقارن دولت های کم دوام و بی ثباتی های سیاسی و اجتماعی در کشور است. جریان های سیاسی و نیروهای تأثیرگذار در این دوران از اسلامی و ملی گرا گرفته تا فدایی و مارکسیستی، متکثر و اغلب در تقابل با یکدیگر هستند. این نیروها در بردارنده گروه هایی هستند که پیش از انقلاب اسلامی در مسیر مبارزه با رژیم قرار داشتند و وجه اشتراک آنها سقوط سلطنت و کنار رفتن محمدرضا پهلوی بود. پس از پیروزی انقلاب و به قدرت رسیدن این نیروها، اندک اندک اختلافات خود را نشان داد و مرزبندیها شفاف تر گردید تا جایی که کار به درگیری های مسلحانه و کشمکش های خیابانی کشید و بسیاری از آنها حذف شدند. از سوی دیگر در سال های ابتدایی انقلاب به دلیل تأسیس نظام سیاسی جدید و چالش در تدوین قانون اساسی، از فلسفه سیاسی و مبنای حاکمیت و نظام آینده هنوز تصور روشنی وجود نداشت.

در این دوران نظریه مشخصی در اذهان سیاستمداران و تصمیم گیران وجود ندارد و اهداف مرتبط با توسعه و پیشرفت نیز کمتر دیده می شود. اصول اقتصادی قانون اساسی به شکلی ناهمگون نوشته می شود. شعارهایی که در هنگامه انتخابات ها توسط نامزدها سر داده می شود، اغلب بلندپروازانه و شامل اهداف کلی است. حمایت از مستضعفین و رسیدگی به حال فقرا و کارگران و دیگر اقشار که از شعارهای انقلاب است باعث مصادره اموال سرمایه داران و تصاحب املاک زمین داران می شود. جریان مذهبی حاکم که پایگاه اصلی اش حزب جمهوری اسلامی و طیفی از روحانیون سیاسی بود، معتقد به تداوم انقلاب و پایه ریزی نظام سیاسی بر مبنای احکام شریعت بود. بدبینی و التقاطی دانستن برخی از گروه ها و جریانات موجب ایجاد دعوای «تعهد و تخصص» و بدبینی به نهادهای مهمی چون سازمان برنامه و بودجه گردید.

دوره دوم تاریخی، با برگزاری انتخابات دوره سوم ریاست جمهوری آغاز می‌گردد و تا پایان نخست وزیری موسوی و برگزاری انتخابات دوره پنجم ریاست جمهوری را در بر می‌گیرد. این دوران تقریباً همزمان با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است و بخش مهمی از دهه نخست انقلاب را شامل می‌شود. وضعیت فکری و علمی در این دوره همچنان تحت هژمونی ایدئولوژی انقلابی و غلبه فقه سیاسی است.

در این برهه در حالی که جریان‌های سیاسی و فکری ملی‌گرا و چپ مارکسیستی و روشنفکری به تدریج از صحنه قدرت کشور حذف شده بودند، جریان مذهبی ایدئولوژیک تمامی نهادهای قدرت را در دست داشته و این بار خود دچار شکاف شده و به دوشاخه چپ و راست مذهبی تجزیه می‌گردید. هرچند هر دو جریان مورد اعتماد حکومت بوده و بخش‌هایی از قدرت را در اختیار داشتند، اما از موقعیت یکسانی برخوردار نبودند. «جریان چپ مذهبی» که اغلب نهادهای اجرایی و رسمی کشور را در اختیار داشت و تحت عنوان جناح چپ شناخته می‌شد، کمتر به مبانی نظری و طرح و بسط ریشه‌های فکری خود می‌پرداخت؛ اما ترکیب اندیشه‌های چپ با مفاهیم دینی تبدیل به مجموعه‌ای ایدئولوژیک شده بود که از اسلام‌پا برهنگان و مستضعفین دفاع می‌کرد و به سرمایه‌داران و ملاکین و بازاریان و ثروتمندان می‌تازید.

جدال‌های فقهی هم در میان بود و جریان چپ مذهبی ذیل نظریات امام خمینی، از فقه پویا دفاع می‌کرد. بر این اساس دولت می‌توانست بر مبنای «احکام ثانویه» و ذیل ولایت فقیه در امور مختلف ورود پیدا کند و به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بپردازد. حتی اگر این برنامه‌ها و مصوبات برخلاف احکام فقهی و قوانین جاری باشد؛ اما «جریان راست مذهبی» ریشه‌های خود را در فقه سنتی موجود در حوزه علمیه می‌دید و دخالت حکومت در امور را بر نمی‌تافت. در بعد اقتصادی و اجتماعی نیز این جریان از آزادی اقتصادی و حق مالکیت افراد دفاع می‌کرد. نمایندگان این جریان معتقد بودند باید بخش خصوصی حق فعالیت داشته باشد و تولید و تجارت در کشور رونق بگیرد. آنها به شدت مخالف دخالت‌های دولت و کنترل آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی بودند.

روحانیون سنتی که غالباً از اعضای قدیمی حوزه‌های علمیه بودند به هیچ وجه تخطی از احکام اسلامی را جایز نمی‌دانستند و «اختیارات فراقانونی و فرا شرعی دولت» را قبول نداشتند. این جریان که نزدیکی خاصی به بازاریان و هیئت‌های متولفه داشت، «جریان فقه‌پرهیزی» نام گرفت (شادلو، ۱۳۸۶).

بدبینی نسبت به سازمان برنامه همچنان ادامه دارد و روغنی زنجانی رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه در این مورد اظهار می‌دارد:

پیروزی انقلاب هجوم به نیروهای تکنوکرات، بوروکرات و کارشناسی را در پی داشت. آنها یا تصفیه شدند و یا ترک پست کردند. این اقدامات در سازمان برنامه شدیدتر بود. در آن زمان همه فکر می‌کردند که تمام برنامه‌های دوران شاه را این سازمان طراحی و اجرا کرده است؛ بنابراین هر چه بدبختی است زیر سر این

سازمان است. برخی مراکز نیز اهمیت آن را درک کرده بودند اما نسبت به نیروهای آن بدبین بودند. آنها معتقد بودند در این سازمان و با این اهمیت، باید آدم‌های وفادار به نظام سیاسی جدید تقویت شوند (احمدی امویی، ۱۳۸۵)

این موقعیت مصادف با وقوع جنگ تحمیلی بود و تمامی رخدادها و تصمیمات و عملکردها تحت تأثیر این واقعه قرار می‌گرفت. هدف استراتژیک نظام پیشبرد جنگ بود و تأمین هزینه‌ها و پشتیبانی آن اولویت داشت. با پایان یافتن جنگ انتقادات به دولت بیشتر شد و با تبلیغاتی که صورت می‌گرفت، بحث بازسازی کشور و بهبود وضعیت اقتصادی دائم مطرح می‌شد؛ اما بهبود اوضاع و کاهش نفوذ دولت و آزادسازی چیزی نبود که جناح چپ و دولت وقت از عهده آن برآیند. در این شرایط برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور مورد بررسی و تدوین قرار گرفت. در سال آخر دولت موسوی رخدادهای مهمی به وقوع پیوست که مسیر کشور را تغییر داد. پس از پذیرش قطعنامه شرایط متفاوت شد. بسیاری از زیربناها از دست رفته بود و نیاز به بازسازی داشت. مردم به دلیل جنگ از بسیاری از مطالبات خود گذشته بودند و با پایان جنگ این وضع قابل دوام نبود.

دوره سازندگی از سال ۶۸ تا ۷۶

دوره سوم تاریخی، از تابستان ۱۳۶۸ و با انتخاب آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری آغاز شده و تا پایان دوره دوم ریاست جمهوری ایشان ادامه دارد. راه یافتن مفاهیم رشد و توسعه به ادبیات مدیریتی و اقتصادی ایران و تحول ذهنی سیاستگذاران نیز از این سال‌ها آغاز می‌گردد و نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور از ابتدای این دوره اجرا می‌شود. در این دوران جناح راست به تدریج تمامی نهادهای قدرت را در اختیار می‌گیرد و جناح چپ را از عرصه بیرون می‌راند.

توسعه و نوسازی در این دوره نیازمند بسط تفکر فن‌سالاری و ورود فناوری و محصولات مدرن به کشور بود. از آنجا که نظام جمهوری اسلامی با وجوه فنی و فیزیکی توسعه کمتر مخالفت می‌ورزید، برنامه نوسازی اقتصادی و اجتماعی با وجود مصائب آن، پیش رفت و از آن پس پیشرفت‌های فناورانه و مهندسی و تجربی از اولویت‌های نظام سیاسی شد. ظاهراً این‌ها از وجوه مفید مدرنیته بود که به تحکیم قدرت نظام و رفاه مردم منجر می‌شد. با وجود این، غرب ستیزی و مقابله با استکبار هنوز از مؤلفه‌های گفتمانی بود.

در این دوره برنامه ریزی علمی هر چند به شکل ناقص اهمیت یافت که نمود آن را در برنامه‌های اول و دوم توسعه می‌توان دید که بعد از یک دهه بی‌برنامگی تدوین و اجرا شدند. همچنین ضرورت عقل‌گرایی و بازنگری در رویه‌های دولت‌سالاری ایدئولوژیک و مذهبی در دهه اول انقلاب، در بخش‌هایی از حاکمیت به وجود آمد که برون‌داد آن گرایش به برنامه ریزی علمی در کشور بود. از این رویداد می‌توان به عنوان روند نسبی و البته تردیدآمیز و محل اختلاف به سر عقل آمدن جمهوری اسلامی، تعبیر کرد (فراستخواه، ۱۳۸۸).

در سوی دیگر میدان، نخبگان جریان چپ مذهبی که دوران تحولات فکری خود را می گذراندند، اقدام به طرح افکار و ایده هایی کردند که به طور مستقیم در پیوند با «علوم انسانی» قرار داشت. در واقع رشد آرام آرام علوم انسانی و ترجمه نظریه ها و مفاهیم جدید در جامعه ایران، زمینه گسترش فعالیت های فکری و طرح نظریات معرفت شناسانه را فراهم کرده به تحول در اندیشه سیاسی و اقتصادی انجامید. حکومت دینی مورد نقد واقع شده و مفاهیمی مثل توسعه، مشارکت، تکرگرایی، تحزب و دموکراسی به تدریج وارد ادبیات سیاسی کشور گردید.

با پایان یافتن جنگ تحمیلی و فوت امام خمینی پروژه مدرن سازی از سر گرفته شد و دینی سازی در اولویت دوم قرار گرفت. تلاش روشنفکران دینی در این دوره تمام در نقد ایدئولوژی و آرمان شهرگرایی بود و تحت تأثیر گفتمان های جهانی قرار داشت. با وقوع این چرخش فکری، مدیریت سیاسی و اقتصادی کشور هم و غم خود را در جهت توسعه اقتصادی، آموزش نیروی انسانی و گسترش دانشگاه ها قرار داد. در حوزه فعالیت های فرهنگی و هنری نیز تحولاتی رخ داد و از یکدستی به سمت تکثر رفت (کاظمی، ۱۳۸۷).

چرخش اصلاح گرایانه ای که در سال های پایانی دولت موسوی در برخی از مدیران و نمایندگان مجلس رخ داده و موجب نزدیکی آنها به هاشمی رفسنجانی شده بود، باعث شد تا طیفی از مدیران « فن سالار» (تکنوکرات) در دولت سازندگی شکل بگیرد. رویکردهای آنها چندان به مذاق راست سنتی و روحانیون محافظه کار خوش نمی آمد و موجب مخالفت مجلس با آنها می شد؛ اما تشکیل «کارگزاران سازندگی» به معنای تولد راست مدرن در سیاست ایران بود که سخن از مخالفت با انحصار و لزوم تکثر و رقابت می گفت و مواضع خود را در رسانه هایی چون روزنامه «ایران» و روزنامه «همشهری» بازتاب می داد. از سوی دیگر جریان چپ مذهبی نیز فعالیتهای تشکیلاتی و فکری خود را از سر گرفت و باوجود محدودیت های سیاسی و فرهنگی، در مراکزی چون «مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری» و روزنامه «سلام» اقدام به بازسازی تشکیلاتی و سیاسی نمود. این جریان در سال های بعد خود را در قالب جریان اصلاح طلب بازسازی کرد.

برنامه پنج ساله اول توسعه با هدف «آزادسازی اقتصادی» آغاز شد. هدف اصلی این برنامه آن بود که با سرمایه گذاری دولت در زمینه بازسازی خسارت های جنگ تحمیلی و بهره برداری حداکثری از ظرفیت های موجود، روندهای منفی اقتصادی حاکم را به نفع ایجاد رشد اقتصادی در کشور تغییر دهد و بستر تداوم رشد در آینده را فراهم کند. استراتژی اصلی برنامه دوم توسعه تثبیت دستاوردهای برنامه اول، ایجاد ثبات در روندهای اقتصادی کشور و کاهش تبعات تورم، بدهی های ارزی و بی ثباتی سیاست های پولی و مالی بود. این برنامه نیز به طور کلی مبتنی بر رشد اقتصادی، آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی بود (گامهای پنج ساله توسعه ملی، ۱۳۹۲).

در چارچوب اتخاذ رویه تعدیل ساختاری، همه ضرر کردند. جامعه یک فرصت تاریخی و منابع ارزی و انسانی عظیم و دولتمردان، اعتبار و اعتماد عمومی خود را از دست دادند. این در حالی است که ما از انبوهی نهادهای نظارتی رسمی هم برخوردار بوده ایم که نتوانسته اند در زمان مناسب به شیوه کار آمد از عهده مسئولیت خود بر آیند؛ بنابراین، ما به یک جامعه مدنی قدرتمند نیاز داریم که بر فراز دولت و بازار از توانمندیهای هردوی آنها استفاده کند، اما کاستی ها و محدودیت های آنها را نیز به حداقل برساند (مؤمنی، ۱۳۸۶، ۲۴۵).

دوره اصلاحات از سال ۷۶ تا ۸۴

دوره چهارم تاریخی، مقارن یک نقطه عطف در تاریخ جمهوری اسلامی است. این دوران از خرداد ۱۳۷۶ و پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری آغاز می گردد و تا سال ۱۳۸۴ ادامه می یابد. روی کار آمدن دولت اصلاحات را به نوعی می توان محصول تلاش های فکری و گفتمانی از یک سو و تحولات فرهنگی و اجتماعی در نیمه نخست دهه ۱۳۷۰ دانست.

رشد علوم انسانی و انتقال مفاهیم مرتبط با توسعه یافتگی، فرایندهای تصمیم گیری در نهادهای اجرایی را دستخوش تغییر کرد. در حالی که تا پیش از آن سیاست های دولت و دیگر نهادهای اجرایی با روش های انحصاری و یک سویه اخذ می شد و تنها عامل اثرگذار، رقبای سیاسی و نهادهای قدرت بودند، در این دوران صحبت از نظارت شهروندان و نقد عملکرد حاکمان و مسئولان به میان آمد. نهادینه شدن مفاهیمی مثل دموکراسی، مشارکت و نقد موجب گردید انتظار نخبگان و مردم از مسئولان و مدیران کشور بالا رود و مسئولیت پذیری آنان نیز افزون گردد. نظارت و ارزیابی اجتماعی یکی از مهم ترین عوامل عقلانی شدن تصمیمات و بهبود نتایج آنهاست. در این دوره تقویت نهادهای علمی و دانشگاهی و اتکای دولت به روشنفکران، نخبگان و دانشگاہیان در عقلانی تر شدن برنامه ریزی ها و ابتنای آنها بر دانش تأثیر چشمگیر داشت.

«طبقه متوسط» که از دوران سازندگی و در اثر سیاست های باز اقتصادی دولت شکل گرفته بود در این دوران بیشترین اثرگذاری را داشت.

جریان راست مذهبی که در آن سال ها تحت نام «محافظه کار» نامیده می شد، در مواجهه با مطالبات نوگرایانه و برنامه های عملی دولت برای اجرای فرایندهای نوسازی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در کشور، واکنش های فکری و گفتمانی نشان داد. این جریان که نهادهای انتصابی و سنتی جامعه را در دست داشت در این دوران دچار تحول شده و به تدریج خود را در قالب گفتمان اصولگرایی بازسازی کرد. پایگاه اجتماعی و اقتصادی این جریان ریشه در بازار، حوزه های علمیه و روحانیت، مساجد و به طور کلی نهادهای سنتی و ارزشی داشت.

از مهم ترین اقدامات اقتصادی دولت خاتمی می توان به تشکیل حساب ذخیره ارزی، اصلاح سامانه مالیاتی، تثبیت نرخ ارز و تصویب و اجرای قانون سرمایه گذاری خارجی، کاهش تسهیلات تکلیفی، تأسیس بانک های خصوصی و گسترش بورس های استانی اشاره کرد. برنامه سوم توسعه که به برنامه اصلاح ساختاری معروف شد دارای جهت گیری هایی از قبیل اصلاح محیط کسب و کار، مقررات زدایی از فرآیند سرمایه گذاری، تقویت قدرت رقابت پذیری از طریق حرکت به سمت آزادسازی نظام قیمت ها و تعیین قیمت بر مبنای سازوکار بازار به عنوان ابزار تخصیص بهینه منابع، یکسان سازی نرخ ارز، آزادسازی تجارت و حذف موانع غیر تعرفه ای، تخصیص رقابتی منابع بانکی، تأسیس بانک توسط بخش غیردولتی، تشکیل حساب ذخیره ارزی و حذف یارانه انرژی بود. برنامه چهارم توسعه در قالب سند چشم انداز کشور در افرق ۱۴۰۴ و با جهت گیری کلی رشد مستمر اقتصادی تدوین شد و به برنامه توسعه پایدار با رویکرد جهانی نیز مشهور است.

ضعف در اجرای سیاست خصوصی سازی، فقدان انضباط مالی و تورم، عدم توفیق در هدفمند کردن یارانه ها و شکست طرح ضربتی اشتغال نیز از ناکامی های دولت اصلاحات است. از دیگر نقاط ضعف این دولت که تقریباً در تمام دولت های پس از انقلاب مشاهده می شود، نداشتن تفکر و خط مشی معین در حوزه مسائل اقتصادی است. اختلافات فکری در میان افرادی که به نوعی اصلاح طلب محسوب می شدند و در دولت حضور داشتند خاصه در دولت اول اصلاحات، یکی از موانع اصلی نیل به سیاست های منسجم و هماهنگ بود. از یک سو افرادی چون عالی نسب و بهزاد نبوی و نمازی و ستاری فر بودند که تمایل به حضور پررنگ دولت داشتند و از سوی دیگر نجفی و نیلی و دیگران که مدافع اقتصاد بازار بودند؛ اما در نهایت سازمان برنامه توانست برنامه سوم توسعه را با نگاهی نو و متفاوت از برنامه های قبل تدوین کند (احمدی امویی، ۱۳۸۵).

گفتنی است سازمان برنامه و بودجه در دولت دوم اصلاحات با ادغام سازمان امور اداری و استخدامی در آن به «سازمان مدیریت و برنامه ریزی» تغییر نام داد. جابجایی مدیران اقتصادی در دولت دوم نیز زیاد بود که نشان از ناهماهنگی تیم اقتصادی دولت داشت.

دوره اصولگرایی از سال ۸۴ تا ۹۲

اصول گرایی (۹۲ - ۱۳۸۴) دوران پنجم تاریخی از ابتدای ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد آغاز می گردد و تا سال ۱۳۹۲ و پایان دولت دهم تداوم می یابد. این دوران را می توان دوران احیای گفتمان حاکم بر سال های نخستین انقلاب اسلامی و بازتولید ایدئولوژی اقتدارگرا و غیر دموکراتیک دانست. سیاست های باز توزیعی و حمایت از اقشار کم درآمد و طبقات محروم در اولویت برنامه ریزی های این دوره قرار دارد و تلاش می گردد ابتدای برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها بر ارزش های مذهبی و ایده های اتوپیاگرایانه باشد. در واقع اصولگرایان از دوره اصلاحات به تدریج با چرخشی آشکار نسبت به نگرش های اسلاف خود، مدافع عدالت و رسیدگی به حال محرومان و مداخله دولت در توزیع ثروت شدند. همین

گفتمان توده گرا بود که با جذب افشار و طبقات پائین جامعه توانست پیروز انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری باشد.

در رابطه با وضعیت کلان اقتصادی کشور در این دوره، گزارش مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲) اذعان دارد که وضعیت اقتصاد کلان کشور با منابع صرف شده متناسب نیست. در واقع عملکرد اقتصاد کلان کشور در دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۴ در قیاس با منابعی که استفاده شده اند (به ویژه منابع ارزی) شکاف قابل توجهی با وضعیت مطلوب دارد. برنامه چهارم توسعه کشور که در دولت اصلاحات تدوین شده بود در این دوره و در مرحله اجرا با بی مهری مواجه شد و بر اساس گزارش تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از عملکرد دولت در اجرای برنامه چهارم توسعه (۱۳۹۰) میزان تحقق اهداف این برنامه بیش از ۵۰ درصد نبوده و کشور همچنان با بیکاری، تورم، کاهش تولید نفت و کاهش تکمیل پروژه های عمرانی مواجه است (گزارش تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از عملکرد دولت در اجرای برنامه چهارم توسعه، ۱۳۹۰). در تدوین برنامه پنجم توسعه اهداف سه گانه ی تحقق دو شاخص پایه ای پیشرفت و عدالت، توجه به دین باوری و خودباوری و ترسیم الگوی بومی و نقشه اسلامی ایرانی مقدمه ورود به هدف اصلی قرار داده شده بود که آن هدف عبارت بود از: حرکت شتابنده به سمت تحقق جامعه اسلامی اسوه و شاهد، با رویکرد عدالت محوری و مشارکت مردمی در همه عرصه ها (تهرانی، ۱۳۹۱).

دیگر سیاست های اقتصادی دولت نیز صورتی آشفته و متناقض پیدا کرده و نامه های اعتراضی اقتصاددانان کشور را به دنبال داشت. طرح بنگاه های زودبازده، طرح مسکن مهر، تأسیس صندوق مهر رضا(ع) و طرح تحول اقتصادی و نقدی کردن پارانه ها از مهم ترین سیاست های دولت برای بهبود وضعیت کشور و تحقق وعده ها بود. سیاست هایی که موجب شد دولت در ارائه خدمات به طبقات محروم و ضعیف جامعه و اجرای سیاست های حمایتی موفقیت های نسبی حاصل کند؛ گرچه در سال های پایانی با مشکلات عدیده مواجه گردید.

دوره اعتدال از سال ۹۲ به بعد

دوره رییس جمهوری حسن روحانی که از سال ۹۲ شروع شده و ادامه دارد. سیاست اقتصادی دولت روحانی مشتمل بر دو اصل است:

الف- جلوگیری از گسترش بحران اقتصادی و ایجاد آرامش در فضای اقتصادی

ب- بستر سازی در جهت تحقق اهداف کمی متغیرهای کلان اقتصادی با توجه به اولویتهای راهبردی رئیس جمهور، برنامه پنجم توسعه و قانون اصل ۴۴.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی(۱۳۹۴)، مدیریت اقتصادی دولت روحانی برنامه های اقتصادی خود را حول یازده محور با اهداف زیر اعلام نموده است:

-ثروت آفرینی و افزایش درآمد سرانه

-شغل آفرینی پایدار و مهار بیکاری

-عدالت گستری و کاهش شکاف درآمدی

-ایجاد تعادل در بازارهای مختلف (پول، سرمایه و ...)

-بهبود وضعیت رفاهی مردم، کاهش تورم و افزایش قدرت خرید خانوار

-تحکیم بنیادهای اقتصاد داخلی

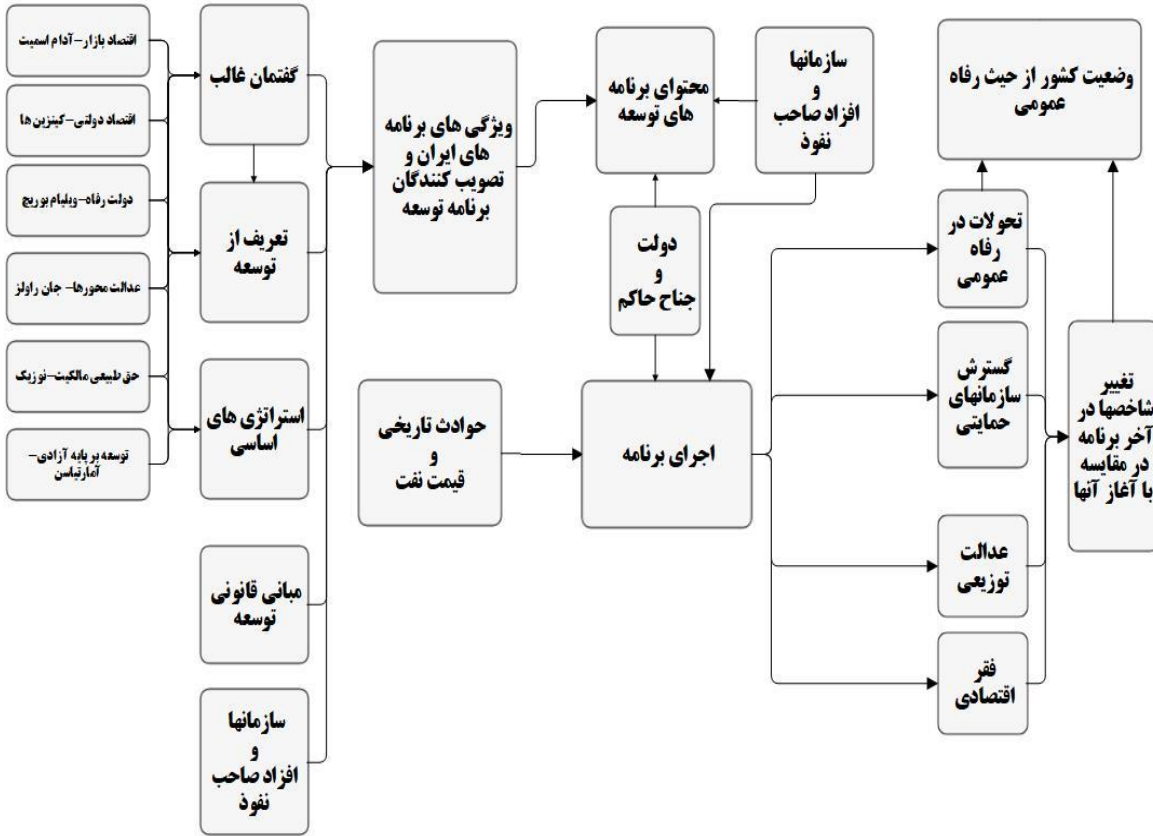
-تعامل سازنده با اقتصاد جهانی

مطالعه اهداف نشان می دهد که این اهداف فراتر از برقراری آرامش بر فضای اقتصادی کشور می باشد. دستیابی به این اهداف نیاز به نگاه بلند مدت به برنامه های اقتصادی دارد و برنامه نیز نیاز به راهبردی دارد، که از طریق این راهبرد بتوان به اهداف دست یافت. به نظر می رسد چشم انداز جمهوری اسلامی به عنوان برنامه بلند مدت مورد نظر قرار گرفته و برنامه پنجم به عنوان برنامه میان مدت و بخشی از برنامه بلند مدت. اما راهبرد مورد نظر چشم انداز اقتصاد دانش بنیان و هم پیوندی با اقتصاد جهانی می باشد، یا به زبان دیگر اقتصاد باز با رشد درون زا.

جمع بندی و نتیجه گیری:

دوره های اول و دوم، دوران سلطه گفتمان ایدئولوژیک و انقلابی بود و رخدادهایی چون انقلاب فرهنگی را در پی داشت. در آن دوران به ویژه در دوره دوم در کشور قدری رشد یافت. هرچند هنوز نظریه های دقیق در کار نبود و توافقی برای اتخاذ خط مشی های شفاف جهت طراحی برنامه ها وجود نداشت. فرایند توسعه و نوسازی در دوره های سوم و خاصه چهارم، جریان های ایدئولوژیکی را که از ابتدای انقلاب در بطن نظام و لایه های معرفتی آن وجود داشت، دوباره احیا کرد.

رویکرد به علم جدید در ایران از ابتدا بر اساس نگاه تجربه گرا شکل یافته و علوم سنتی نیز ریشه در شهود، منطق و قیاس دارند. رویکردهای تجربه گرا و عقل گرا هر دو منجر به اقتدارگرایی می شوند و در مقابل، عقل گرایی انتقادی می تواند مبنای یک علم رشد یابنده و دموکراتیک باشد. تفکر فن سالار بخشی از همان رویکرد تجربه گراست که نوسازی از بالا را در دستور کار قرار می دهد و مصادیق آن در موقعیت سوم، در قالب برنامه های اول و دوم توسعه و سیاست های دستوری خصوصی سازی دیده می شود. بر اساس آنچه گفته شد یک مدل کلی در برنامه ریزی ایران در طول برنامه های شش گانه قابل ارایه است. در این مدل تلاش شده است که نقش ساختارها، افراد، حوادث تاریخی، نوسانهای عمده اقتصادی، گرایشهای سیاسی و اصلی ترین عوامل اثر گذار در سیاستگذاری برنامه ها مورد توجه قرار گیرد.



منابع:

- احمدی امویی، بهمن (۱۳۸۵). اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی. تهران: گام نو.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۹). اندیشه نوسازی در ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۹۳). جامعه شناسی توسعه. تهران: انتشارات کیهان.
- تهرانی، ایمان (۱۳۹۱). مستندسازی سیر تحول برنامه پنجم توسعه از لایحه تا قانون. مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰). نظریه عدالت از نظر فارابی، امام خمینی و شهید صدر. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- رجب پور، حسین (۱۳۹۸). آسیب شناسی نظام برنامه ریزی کشور. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- روشنایی، علی (۱۳۸۷). نگاهی انتقادی به نظریات و راهبردهای توسعه. دانشگاه آزاد آشتیان: دانشگاه آزاد اسلامی.
- سازمان برنامه ۱۳۴۷ (الف)، مجموعه قوانین برنامه های عمرانی کشور، تهران: سازمان برنامه.
- سو، آلوین بی. تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه حبیبی مظاهری محمود. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۳.
- شادلو، عباس، تکثر گرایی در جریان اسلامی، تهران، انتشارات صراط، ۱۳۸۷
- غفاری، غلامرضا و جعفری مقدم، محسن، تحولات گفتمانی و برنامه ریزی در ایران ۱۳۵۷-۱۳۹۲، مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، شماره ۴۳، ۱۳۹۸
- فراستخواه، مقصود، سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران، تهران، انتشارات رسا، ۱۳۸۸
- فیتز پتریک، تونی. نظریه رفاه، سیاست اجتماعی چیست؟، ترجمه هرمز همایون پور. تهران: گام نو، ۱۳۸۱
- قاسمی، حمید و دیگران، مرجع پژوهش، اندیشه آرا، تهران، ۱۴۰۰
- کاظمی، عباس، جامعه شناسی روشنفکری دینی در ایران، تهران، نشر طرح نو، ۱۳۸۷
- گام های پنجساله توسعه ملی، فصلنامه اجتماع و توسعه، ۱۳۹۲
- گزارش تحقیق و تفحص از مجلس شورای اسلامی از عملکرد دولت در برنامه چهارم توسعه (۱۳۹۰)، برگزیده
- از: ۱۴۹۳۰۷۷
- <https://www.mehrnews.com/news/>
- م کلثود، تاس. اچ (۱۳۸۱)، برنامه ریزی در ایران، ترجمه عل یاعظم محمدبیگی، تهران، نی.
- مصلی نژاد، عباس. دولت و توسعه اقتصادی در ایران. تهران: نشر نی، ۱۳۹۵.
- موسوی، میرطاهر، و محمدعلی محمدی. مفاهیم و نظریه های رفاه اجتماعی. تهران: نشر دانش، ۱۳۸۸.
- مومنی، فرشاد، اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری، نشر نقش و نگار، ۱۳۸۶
- ناعم، نیما، و امید یعقوب زاده. موانع توسعه در ایران. تهران: نقد فرهنگ، ۱۳۹۶.
- نراقی، یوسف، جامعه شناسی و توسعه تهران؛ انتشارات فرزانه روز ۱۳۹۴